

همه‌گیری کرونا می‌تواند مدل رهبری را در ایران برای همیشه تغییر دهد

مهدی خلجی

۱۷ آوریل ۲۰۲۰

در حالی که سپاه مدیریت مهار کرونا را در دست گرفته و دستگاه روحانیت در حال گُل زدن به خود است و رژیم سرکوب سایبری خود را گسترش می‌دهد، وضعیت ایران مستعد تحولی است که در آن خامنه‌ای - یا جانشین او - راه را برای یک حکومت نظامی بالفعل باز کند.

ویروس کرونا در وضعیتی به ایران رسید که جمهوری اسلامی در یکی از بدترین شرایط خود از بدو تاسیس‌اش در چهار دهه قبل قرار دارد. رژیم ایران در مشروعیت ایدئولوژیک، محبوبیت انقلابی، کارآمدی عملی، ساختار اقتصادی، سیاست خارجی پان‌اسلامیستی، و آرمان هژمونی منطقه‌ای خود ضربات سختی متحمل شده است. ولی علی‌رغم همه این چالش‌ها و آثار خردکننده کووید-۱۹، جمهوری اسلامی به‌سادگی ممکن است سال‌های زیادی دوام آورد - هرچند شاید این امر بدون تغییر اساسی در ماهیت آن ممکن نباشد.

نقطه قدرت یک حکومت ضعیف

ماهیت وجودی بحران جهانی فعلی، یک اثر متناقض‌نما هم داشته و آن این که رژیم‌های بحران‌زده مثل ایران را توانمند کرده است. هرچه خسارت ناشی از همه‌گیری و وحشت مردم بیشتر باشد، به همان نسبت بیشتر ممکن است دولت به عنوان تنها امید بقای جامعه تلقی شود. در نتیجه، این بیماری یک عامل فوق‌العاده نیرومند در تقلیل تقاضاهای سیاسی مردم بوده است؛ از سطح درخواست آزادی و حقوق بشر به سطح تامین نیازهای اساسی مثل امنیت بیولوژیک. علاوه بر این، افزایش توقعات عمومی درباره مسئولیت‌های دولت، زمینه‌ای مناسب برای گسترش بی‌حدوحصر اقتدار حکومت فراهم می‌کند.

رژیم ایران همچنین به این دلیل قوی‌تر شده که، بر خلاف جوامع دموکراتیک، فضای اندکی برای نهادهای غیردولتی باقی گذاشته تا بتوانند در مهار این همه‌گیری مشارکت کنند. در نتیجه، مخالفان و مراکز صاحب نفوذ رقیب، ابزارهای چندانی ندارند تا بتوانند از کاهش مشروعیت دولت و دیگر مشکلات آن بهره‌برداری کنند و شایستگی خود را به عنوان رهبران آلترناتیو نشان دهند.

مثلاً دستگاه روحانیت بعد از آن که متهم شد مانع تدابیر احتیاطی دولت در مراحل اولیه شیوع بیماری شده، سعی کرد با سازماندهی گروه‌های «داوطلب» برای مبارزه با کرونا، وجهه خود را بازسازی کند. ولی رهبران مذهبی خیلی زود از این توهم دست کشیدند که کارزار آن‌ها با تلاش کلی‌تر رژیم برای قرنطینه‌سازی فرق دارد. علیرضا اعرافی، مدیر حوزه‌های علمیه سراسر کشور، اخیراً اعتراف کرد که روحانیت در مبارزه با کرونا فقط از سپاه پاسداران حمایت می‌کند و گفت که روحانیون برای «شکوه و عظمت» سپاه دعا می‌کنند.

همه‌گیری فعلی، همچنین، به عادی‌سازی نقش مستبدانه رژیم در قلمرو سایبری هم کمک می‌کند؛ چون همان سلاح‌هایی که از مدت‌ها پیش برای کنترل خدمات اینترنتی، نظارت بر فعالیت‌های آنلاین، و سانسور مخالفان استفاده می‌شد، حالا می‌تواند ابزارهای ضروری برای ردگیری بیماری و تامین سلامت عمومی معرفی شود. در سال‌های اخیر، توسعه توانمندی‌های جدید نظارتی و جنگ دیجیتال به یکی از مهم‌ترین اولویت‌های جمهوری اسلامی بدل شده است. علی خامنه‌ای، رهبر ایران، فضای سایبری را یک میدان جنگ حیاتی تعریف می‌کند و سیاست‌ها و عملیات رژیم را قویا در این قلمرو هدایت می‌کند. وضعیت اضطراری بحران کرونا فقط باعث توسعه و تقویت این توانمندی‌ها می‌شود، و خامنه‌ای نیز اعلام کرده که به دلیل بحران کرونا «جهاد سایبری» احتمالاً محوریت بیشتری در سیاست‌های رژیم خواهد داشت.

به همین ترتیب، رژیم ظاهراً باور دارد که امروز برای بقای خود، کنترل افکار عمومی از طریق رسانه‌ها حتی حیاتی‌تر هم هست، خصوصاً با توجه به این که اقتصاد ایران به فروپاشی نزدیک‌تر می‌شود. پوشش تلویزیونی و رادیویی که مطلقاً در کنترل حکومت است، اخیراً حتی به پروپاگاندا آشکارتر رو آورده و بی‌شرمانه از نقش حیاتی سپاه پاسداران در «جنگ بیولوژیک» تجلیل می‌کند.

افزایش قدرت مداوم سپاه

همه‌گیری فعلی بیش از هر نهادی سپاه پاسداران را تقویت کرده، خصوصاً حالا که رژیم قوانین داخلی را معلق کرده و وضعیت اضطراری نامحدود اعلام کرده است. بعد از آن که دولت تصمیم گرفت در مورد اعمال قرنطینه، فاصله‌گیری اجتماعی، و از این قبیل تدابیر سخت‌گیرانه‌تر عمل کند، قدرت کنترل بی‌سابقه‌ای بر کشور به سپاه داده شد. سیستم بهداشتی و زیرساخت پزشکی‌ای که با مدیریت سپاه و سازمان‌های وابسته‌اش اداره می‌شود، طی جنگ ایران و عراق شکل گرفت و از آن زمان بی‌وقفه توسعه یافته و در ابعادی باورنکردنی رشد کرده است؛ طوری که امروز کمابیش مستقل از نظام سراسری بهداشت و درمان ایران عمل می‌کند.

متأسفانه، اعطای نقش بزرگتر به سپاه در بحران جاری لزوماً کار عاقلانه‌ای از دیدگاه پزشکی نیست. در ۳ آوریل، سعید نمکی، وزیر بهداشت، با ارسال نامه‌ای به رئیس‌جمهور حسن روحانی، نسبت به عواقب فاجعه‌بار این رویکرد هشدار داد. نمکی با اشاره به یکی از اوصافی که خامنه‌ای در مورد سپاه و نیروهای بسیجی به کار می‌برد - او به آن‌ها اختیار قبلی برای مداخله در بحران‌های داخلی غیرمنتظره می‌دهد - نوشت: «هرگونه تصمیم آتش‌به‌اختیار توسط هر دستگاه [...] که مورد تایید نباشد، شعله‌هایش به‌سرعت دامن نظام سلامت و متعاقب آن اقتصادی کشور را خواهد گرفت.»

ولی وزیران کابینه مثل نمکی و دولت منتخب، به طور کلی، در جریان همه‌گیری فعلی به حاشیه رانده شده‌اند. روحانی نقش چندانی تحت شرایط اضطراری ندارد، و اقدامات فراقانونی سپاه در زمینه امنیت بیولوژیک احتمالاً تا مدت‌ها بعد از لغو شرایط اضطراری ادامه خواهد داشت. تصویری که حکومت از این همه‌گیری به عنوان یک حمله خارجی نمایش می‌دهد، به توجیه امنیتی‌سازی کامل‌تر کمک کرده است؛ و سپاه حوزه مأموریت خود را به جبهه‌های تازه‌ای - یعنی سیاست بدن مردم - گسترش می‌دهد. بسیاری از شهروندان به خاطر ترس‌شان از بیماری، فقدان مراجع آلترناتیو، و افزایش هزینه سیاسی حفظ یک فضای عمومی مستقل در میانه سرکوب فزاینده رژیم، ممکن است این امور فراقانونی را به عنوان هنجار تازه‌ای بپذیرند.

در مورد عواقب نظامی این روندها، سپاه احتمالاً به برنامه‌ریزی حملات بالقوه علیه نیروهای آمریکایی در منطقه ادامه خواهد داد؛ خواه به

صورت مستقیم یا با استفاده از نیروهای نیابتی در عراق و دیگر مناطق. این قبیل عملیات‌ها می‌تواند کمک کند تا آسیبی که به حیثیت داخلی سپاه به خاطر رسوایی‌های اخیر وارد شده، اعاده شود. اما محاسبه هزینه این قبیل حملات تا حد زیادی به این بستگی دارد که آیا همه‌گیری فعلی مانع اقدامات تلافی‌جویانه جدی از طرف آمریکا می‌شود یا خیر.

چه چیزی انتقال قدرت را در ایران تسریع خواهد کرد؟

به دلایلی که ذکر شد، همه‌گیری کرونا پیشاپیش باعث شده تغییر ماهیت نظام سیاسی ایران آغاز شود. مقاومت آشکار روحانیت در برابر دستورات دولت برای کنترل ویروس، احتمالاً نقطه بدون بازگشتی است که شاخصه آن بی‌اعتمادی عمومی نسبت به روحانیون است و بدگمانی درباره توانایی آنان به عنوان مراجع خردمند در قلمرو سیاسی و اجتماعی. ناکامی چشم‌گیر روحانیون در پیروی از عقل سلیم و وجدان آگاه باعث ایجاد شرایطی شده که بالقوه سکولار شدن رهبری آینده ایران را زمینه‌سازی می‌کند. شکافِ روبه‌گسترش بین مراجع شیعی از یک طرف، و طبقه متوسط بسیار مدرن و جمعیت جوان تحصیل‌کرده از طرف دیگر، برای بازیگران قدرت کمتر رغبتی باقی می‌گذارد که به درخواست حمایت ایدئولوژیک و سیاسی از روحانیت در دوره پساخامنه‌ای علاقه داشته باشند. اما با وجود زوال نقش روحانیت، جامعه مدنی در موقعیتی نیست که قدم پیش بگذارد.

در نتیجه، ایران ممکن است در کنشاکش یک تغییر تکاملی باشد. مدل فعلی که سال‌ها دوام آورده، یک رژیم انقلابی اسلام‌گرا بوده که تحت لوای اصل «ولایت فقیه» قرار داشته است، اما این مدل می‌تواند جای خود را به یک سیستم نظامی-امنیتی بدهد که عمدتاً تحت کنترل ائتلافی از جناح‌های اصلی سپاه و متحدان و بهره‌وران و مشتریان تازه‌تعریف‌شده آن باشد.

اگر انتقال قدرت در سطح رهبری ایران به زودی ضرورت پیدا کند، این فرایند شدیداً تسریع خواهد شد. خامنه‌ای هشتاد سال سن دارد و، بنابراین، ریسک مرگ یا بیماری ناتوان‌کننده برای او بالاست. حتی اگر او تا مدتی دیگر در قدرت بماند، شاید در محیط جدید به حاشیه رانده شود. از این گذشته، هرگونه انتقال قدرت به یک رهبر یا نظام رهبری جدید، بعید است که با سرعت و اجماعی انجام شود که بعد از مرگ آیت‌الله خمینی در ۱۹۸۹ رخ داد.

در هر حالت، همه‌گیری فعلی باعث شده تا محتمل‌ترین سناریوی جانشینی – یعنی نقش اصلی سپاه در ایران پساخامنه‌ای – محتمل‌تر از گذشته شود. تا آن زمان، رهبری نظامی ایران بی‌شک امیدوار است که رکود اقتصادی جهانی ناشی از ویروس کرونا، آمریکا و بقیه «دشمنان» خارجی را از ریسک مقابله با ایران – خواه از طریق بی‌ثبات‌سازی با روش‌های نظامی یا تبدیل آن به یک دولت ورشکسته از طریق «فشار حداکثری» – منصرف کند.

* مهدی خلجی، هموند خانواده لیبسکی در انستیتو واشنگتن است.